

## درآمدی بر مبنای عدالت؛ رویکردی دینی

محسن الویری<sup>۱</sup>

### مقدمه

یکی از مهمترین گام‌ها برای دستیابی به توسعه‌ی دین‌محور تعیین و تبیین دقیق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن از جمله عدالت است. تلاش برای تبیین مفهومی عدالت که یکی از دغدغه‌های دیرین بشر بوده است، هم‌چنان یکی از دل‌مشغولی‌های اندیشمندان در دنیای معاصر است. با توجه به جایگاه عدالت در شعارهای انقلاب اسلامی، قانون اساسی و سند چشم‌انداز تبیین مفهوم عدالت و به دست دادن شاخص‌های قابل درک در جامعه‌ی اسلامی ما اهمیتی مضاعف دارد. رویکردهای موجود برای تبیین عدالت و مبنای آن را می‌توان به سه دسته کلی رویکرد طبیعت‌گرا، رویکرد انسان‌گرا و رویکرد خداگرا و دینی تقسیم کرد. یکی از دیدگاه‌های موجود در باره‌ی مبنای عدالت در رویکرد دینی - که البته خود دربردارنده‌ی تعاریفی متعدد است - دیدگاهی است که از پیوند عدل با حق شکل گرفته است. با توجه به ابعاد و ژرفای به هم‌پیوستگی حق و عدل در تفکر اسلامی و آموزه‌های وحیانی، می‌توان چنین برداشت کرد که منشأ عدالت ذات اقدس الهی است، همان‌گونه که حق نیز از همان ذات مقدس برخاسته است و عدالت همانند حق در نظام تکوین جاری و ساری است و پیامبران خدا نیز که به حق و عدل برانگیخته شده‌اند، به عنوان واسطه‌های نظام تکوین و تشریح، انسان‌ها را به الهام‌پذیری از

---

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

آموزه‌های وحیانی برای تحقق عدالت و بر پا داشتن حق در عالم تشریح فرا می‌خوانند. این نگاه به مبانی عدالت، می‌تواند ضمن فراهم آوردن چارچوبی روشن برای گفتگو در باره عدالت، پاره‌ای از ابهام‌های نظری پیرامون عدالت، از جمله چگونگی ابتدای اعتباریات بر حقایق، ابعاد و وجوه عدالت را برطرف نماید. بر اساس این دیدگاه، بازخوانی متون اصلی و اولیه دینی - قرآن و سنت - برای دستیابی به نگاهی روشن، همه‌جانبه‌نگر و کاربردی از عدالت و نیز بهره‌گیری از روش و فرایند استنباط احکام شرعی در این مسیر، اجتناب‌ناپذیر است.

\*\*\*\*\*

پیوند مفهومی توسعه و عدالت - با هر تعریفی از توسعه و با هر تعریفی از عدالت، امری انکارناشدنی است. یکی از مهمترین گام‌هایی که برای دستیابی به توسعه دین‌محور باید برداشته شود، تبیین مفهومی مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن از جمله عدالت است. پرداختن به عدالت و درنگ بر مفهوم آن از چند جهت حایز اهمیت است:

#### ۱. توجه دیرین و پیوسته ی بشر به موضوع عدالت

عدالت از دیرباز کانون توجه پیامبران و اندیشمندان بوده است و هم چنان یکی از مهمترین دغدغه‌های صاحبان فکر و اندیشه به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

#### ۲. کثرت نسبی آثار مسلمانان در این زمینه

اندیشمندان مسلمان در دامنه ی گسترده‌ای از علوم رایج در جامعه ی اسلامی به موضوع عدالت پرداخته‌اند. شاید بتوان اهم این علوم و حیطه‌های مرتبط با عدالت و عدل ( هر دو مصدر

---

۱- برای آگاهی از مجموعه‌ای از این تعاریف و دیدگاه‌ها، ر.ک. توسلی، مبانی نظری عدالت اجتماعی

یک ریشه هستند و از منطری که در این مقاله به آن ها نگریسته می شود، تفاوتی با یکدیگر ندارند. ) را به صورت زیر برشمرد:

• علم لغت و منابع لغوی که خود شامل چهار شاخه ی فرعی است:

➤ کتاب های عمومی لغت عربی

➤ کتاب ها واژه شناسی قرآن ( غریب قرآن )

➤ کتاب های واژه شناسی احادیث ( غریب حدیث )

➤ کتاب های فروق اللغات

• علم تفسیر

• علم حدیث

• علم کلام و فلسفه

• علم اخلاق

• علم فقه

• علم رجال

• عرفان

• علوم سیاسی و اجتماعی<sup>۱</sup>

---

۱- برای بحثی تفصیلی در این باره رک. الویری، درآمدی بر عدالت اجتماعی در اندیشه ی اسلامی، صص

### ۳. جایگاه عدالت در آرمان ها و اهداف و شعارهای نظام

ضرورت و زمینه ی سومی که ما به سوی تأمل در مفهوم و مبنای عدالت فرا می خواند، جایگاه بلند و بی بدیل عدالت در شعارهای انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان های آن است که در قالب سخنان و دیدگاه های امام خمینی رحمه الله علیه و رهبر معظم انقلاب دام عزه و سندهایی همچون قانون اساسی تجلی یافته است. شعار عدالت اجتماعی به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی چه پیش از پیروزی و چه پس از آن، اکنون نیز مورد اهتمام مسؤولان کشور بویژه رهبر معظم انقلاب است. تنها بدنه عنوان نمونه نگاهی به سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی و نیز سیاست های کلی برنامه های توسعه ی کشور بخوبی نیاز کشور را برای رسیدن به یک وفاق جمعی در باره ی این موضوع مهم نشان می دهد.

### ۴. به دست دادن شاخص های قابل درک از عدالت در جامعه ی اسلامی

لازمه ی گستراندن عدالت به همه ی لایه های نظام اجتماعی و همه ی بخش های آن، داشتن شاخص هایی دقیق برای اندازه گیری میزان تحقق عدالت است و این امر به نوبه ی خود مبتنی بر درکی روشن و مورد وفاق نسبی از تعریف عدالت و به ویژه مبنای آن است. همان گونه که ذکر شد، تلاش برای تعریف عدالت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است و به همین دلیل تاکنون تعاریفی متعدد از عدالت ارائه شده است. این تعاریف را می توان به گونه هایی متفاوت دسته بندی کرد. شاید بتوان از نظر خاستگاه و منشأ و مبنای عدالت، رویکردهای موجود در تعریف عدالت را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

• رویکرد طبیعت‌گرا

در این رویکرد منشأ و مبنای عدالت نظام طبیعت است و به این دلیل که نظام طبیعی مبتنی بر عدل است، نظام‌های انسانی نیز باید در پرتو عدل سامان یابد.

• رویکرد انسان‌گرا

در این رویکرد ریشه‌ی عدالت در خود انسان جستجو می‌شود. این رویکرد که متداول‌ترین رویکرد در تعیین مبنای عدالت است، نظریه‌های مختلفی از جمله اغلب نظریات معاصر غربیان، را در بر می‌گیرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نظریه عقل‌گرا
- نظریه عرف‌گرا
- نظریه تجربه‌گرا
- نظریه تاریخ‌گرا
- نظریه عمل‌گرا
- نظریه اخلاق‌گرا
- نظریه احساس‌گرا
- نظریه قراردادگرا

• رویکرد خداگرا یا رویکرد دینی

در این رویکرد مبنای عدالت بر اساس آموزه‌های دینی در مبدأ و منشأ هستی و در ذات اقدس الهی کاویده می‌شود.

در باره رویکرد دینی تذکر چند نکته ضروری است:

نخست آن که این رویکرد می‌تواند با دو رویکرد دیگر قابل جمع باشد. یعنی چه بسا یکی از رویکردهای موجود در حوزه ی انسان‌گرایی مبتنی بر آموزه‌های دینی مطرح شود. بنابراین این رویکرد نیز خود در بردارنده ی تعاریفی متعدد است.

نکته دیگر آن که در این مقاله، مراد از دین، همان دین اسلام است و بنابراین مقصود از رویکرد دینی در این جا، همان رویکرد اسلامی است.

نکته سوم این است که واژگان و تعبیری که در فرهنگ اسلامی برای سخن گفتن از مضمون عدالت وجود دارد متعدد است. و پیش‌فرض ما این است که در بین این واژه‌های مختلف، واژه ی عدالت، واژه ی محوری و اصلی دینی است و دیگر واژه‌ها با مفاهیم و دلالت های مختلف در حاشیه ی این واژه ی محوری قرار می‌گیرند. دیگر واژگانی که دارای دلالت مفهومی بر عدالت هستند، عبارتند از: مساوات و استواء، قسط، قصد و اقتصاد و قوام و اسقامت است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که ذکر شد، این رویکرد خود می‌تواند در بردارنده تعاریفی گوناگون از عدالت باشد. ولی یکی از یکی از پرآوازه‌ترین این تعاریف، تعریفی است که از پیوند عدل با حق شکل گرفته است. در این تعریف عدل به مفهوم اعطای حق است. علامه طباطبایی در همین چارچوب، عدل را این‌گونه ترسیم و تعریف کرده است:

هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له.<sup>۲</sup>

عدل عبارت است از دادن حق هر ذی‌حقی و قرار دادن آن در جایگاهی که شایسته ی آن است.

۱- برای بحثی تفصیلی در این باره، ر.ک. الویری، صص ۳۳ - ۳۶

۲- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۳۱۷

بخش دوم این تعریف برگرفته از تعریفی منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرموده‌اند:

العدل يضع الامور مواضعها<sup>۱</sup>

عدل هر چیز را در جای خودش می‌گذارد.

ظاهراً این بیت شعر مولوی نیز برگرفته از همین تعریف سنتی از عدالت است:

عدل چه بود وضع اندر موضعش      ظلم چه بود وضع در ناموضعش<sup>۲</sup>

در نگاهی کلی از پاره‌ای از عبارات روایات به هم‌پیوستگی حق و عدل و ربط وثیق آنها با یکدیگر برداشت می‌شود. به عنوان مثال همان گونه که در آیه شریفه ۶۲ سوره مبارکه حج، خداوند حق مطلق معرفی شده است: ذلک بان الله هو الحق، در روایت زیر نیز با عبارت: إن الله عز وجل هو العدل، خداوند با صفت عدل یاد شده است:

... قَالَ قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ يَكُونُ الرَّجُلُ عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنًا قَدْ ثَبِتَ لَهُ الْإِيمَانُ عِنْدَهُ ثُمَّ

يُنْقَلُهُ اللَّهُ بَعْدُ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَى الْكُفْرِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الْعَدْلُ إِنَّمَا ...<sup>۳</sup>

به امام صادق علیه السلام گفتم چرا این گونه که (گاه) کسی نزد خداوند مؤمن است و ایمان او به اثبات رسیده است، سپس خداوند او را پس از ایمان به کفر منتقل می‌سازد، امام فرمود: همانا خداوند عز و جل عدل است، برآستی ...

پیوند حق و عدل در بخش‌هایی دیگر از متون دینی مورد اشاره قرار گرفته است:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷

۲- مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۵۶۰

۳- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۷

مثلاً در روایتی، در تشریح فلسفه ی بعثت انبیاء و در مقام توضیح پیرامون کلمه میزان در آیه ی شریفه ی ۲۵ حدید: ( لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط )، حق و عدل در کنار و در پیوند با یکدیگر مطرح شده است:

لیسوی به الحقوق و یقام به العدل<sup>۱</sup>

تا در حقوق مساوات شود و به وسیله ی آن عدل اقامه شود.

همچنین در تفسیر المیزان، ذیل آیه شریفه ۸ سوره ی مبارکه ی اعراف: وَ السَّوْزَانُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ، مرحوم علامه طباطبائی به نقل از طبرسی در مجمع البیان بیان فرموده است که:

أن الوزن عبارة عن العدل فی الآخره

وزن همان عدل است در روز جزا<sup>۲</sup>

بر این اساس ترجمه ی آیه ی شریفه چنین خواهد شد:

و عدل در آن روز حق است.

و یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخن مشهور خویش، این گونه حق و عدل را در پیوند با یکدیگر مورد توجه قرار داده‌اند:

فَإِنَّهُ مَنِ اسْتَنْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ<sup>۳</sup>

براستی کسی که برایش سنگین باشد که حق را به او بگویند یا بر او گران آید که عدل را بر او عرضه کنند، عمل به حق و عدل بر او سنگین تر است.

همچنین در روایتی، معصوم علیه السلام توصیه می‌کند:

۱- جلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۱

۲- طباطبائی، المیزان، ص ۲۴۲

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۲۵۰



وَأَرْتُقْ فَتَقَ رَعِيَّتِكَ بِأَنْ تُوقِفَهُمْ عَلَىٰ مَا وَافَقَ الْحَقَّ وَ الْعَدْلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ<sup>۱</sup>

و امور رعیت را به گونه رتق و فتق کن تا آنان را بر آن چه موافق حق و عدل است بداری، این شاء الله.

از این آیات و روایات می‌توان در هم‌تنیدگی حق و عدل را برداشت کرد. با توجه به ابعاد و ژرفای پیوند بین حق و عدل، به نظر می‌رسد می‌توان از این تقارن و به هم پیوستگی، راهی روشن برای تبیین مبنای عدالت یافت. یعنی می‌توان به همان روش که جایگاه حق در نظام هستی و مبنای حق تبیین می‌شود، جایگاه و مبنای عدالت را نیز تبیین کرد. در نگاهی دینی و با توجه به صراحت های قرآن و روایات ابهامی در باره مبنای حق وجود ندارد و از روش تناظر بین حق و عدل می‌توان همان مبنا را در باره ی عدالت نیز تسری داد.

برای روشن‌تر شدن بحث، مروری بر مبنا و جایگاه حق در نظام هستی بر پایه ی آموزه‌های وحیانی مندرج در قرآن ضروری به نظر می‌رسد.

واژه ی حق و مشتقات آن که ۲۸۷ بار در قرآن به کار رفته است، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم دینی است و شاید جریان حق در نظام هستی، محوری‌ترین سنت الهی باشد که دیگر سنن تغییر و تبدیل ناپذیر الهی نیز در پرتو آن معنی می‌یابند. تجلی و تسری حق در نظام هستی را به صورت زیر می‌توان بیان کرد:

**الف. خداوند؛ حق مطلق:**

در آیات قرآن، خداوند حق مطلق است:

---

۴- الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۰۷

- فذلکم الله ریکم الحق<sup>۱</sup>

پس او الله پروردگار شما حق است.

- فتعالی الله الملک الحق<sup>۲</sup>

پس بلندمرتبه باد الله پادشاه حق.

- ان الله هو الحق المبین<sup>۳</sup>

براستی خداوند اوست حق آشکار ( آشکار کننده ).

- ذلك بأن الله هو الحق و ان ما يدعون من دونه الباطل<sup>۴</sup>

این به آن دلیل است که الله حق است و آن چه غیر او را می خوانند باطل است.

ب. آفرینش هستی بر مدار حق:

و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق<sup>۵</sup>

و ما آسمان ها و زمین و آن چه بین آن دو است را جز به حق نیافریدیم.

و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا<sup>۶</sup>

و ما آسمان و زمین و آن چه بین آن دو است را باطل نیافریدیم.

---

۱- قرآن کریم، یونس، آیه ۳۲

۲- قرآن کریم، طه، آیه ۱۱۴

۳- قرآن کریم، نور، آیه ۲۵

۴- قرآن کریم، حج، آیه ۶۲

۵- قرآن کریم، احقاف، آیه ۳

۶- قرآن کریم، ص، آیه ۲۷

ج. برانگیخته شدن پیامبران به عنوان واسطه ی نظام تکوین و تشریح بر اساس

حق و حامل آموزه های حق بودن آن ها:

- قد جاءت رسل ربنا بالحق<sup>۱</sup>

فرستادگان پروردگار ما به حق آمدند.

- یا ایها الناس قد جائکم الرسول بالحق من ربکم<sup>۲</sup>

ای مردم، همانا پیامبر از جانب پروردگارتان به حق آمد.

- اما الذین آمنوا فاعلمون انه الحق من ربهم<sup>۳</sup>

اما کسانی که ایمان آوردند، پس می دانند که آن ( مثلی که خداوند زده است ) حق از

جانب پروردگارشان است.

- انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً<sup>۴</sup>

همانا ما فرستادیم تو را به حق بشارت دهنده و انذار دهنده.

د. وظیفه ی انسان ها برای عمل به پیام حق خداوند که از سوی پیامبران بر بشر عرضه

شده است:

---

۱- قرآن کریم، اعراف، آیه ۵۳

۲- قرآن کریم، نساء، آیه ۱۷۰

۳- قرآن کریم، بقره، آیه ۲۶

۴- قرآن کریم، بقره، آیه ۱۱۹

- قل هل من شركائكم من يهدى الى الحق قل الله يهدى للحق أفمن يهدى الى الحق

أحق أن يتبع امن لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون<sup>۱</sup>

بگو آیا از شرکای شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند، بگو خداوند به حق هدایت می‌کند، آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوارتر است برای پیروی یا کسی که هدایت نمی‌کند مگر این که هدایت شود، شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟

در باره عمل به حق توجه به این روایات نیز مفید است:

- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اقبل الحق ممن اتاك به صغير أو كبير

پیامبر خدا فرمود: حق را بپذیر از هر که به سوی تو آمد، کوچک یا بزرگ.

- عن الصادق علیه السلام: ان من حقیقه الإیمان ان تؤثر الحق و ان ضرک علی الباطل

و ان نفعک

امام صادق علیه السلام فرمودند: از ( نشانه‌های ) حقیقت ایمان این است که حق را هر

چند به زیان تو باشد بر باطل هر چند که به سود تو باشد، برتر نهی.

بنابراین در نگاهی کلی ملاحظه می‌شود که مبنای حق ذات اقدس الهی است و نظام تکوین نیز

بر اساس حق آفریده شده است و پیامبران پیام حق خداوندی برای چگونگی بنا نهاده شدن نظام

تشریح ارائه می‌کنند و انسان‌ها نیز وظیفه‌ی عمل به این پیام‌های حق را دارند، یعنی سامان

مطلوب نظام تشریح بر پایه‌ی حق است که منشأ آن خداست و نظام تکوین نیز بر اساس آن

آفریده شده است و چگونگی سامان یافتن نظام تشریح و عالم اراده‌ی انسان‌ها و تطابق آن با

نظام تکوین نیز از طریق ارسال پیامبران و وظیفه انسان ها برای عمل به آن ها پی گرفته می شود.

اکنون با توجه به پیوند بین حق و عدل، به نظر می رسد می توان همین مبنای تجلی و تسری حق در نظام هستی و نظام تکوین و تشریح را در باره عدل نیز تصور و تصویر کرد. به بیانی دیگر، با الهام از چگونگی جریان حق در عالم تکوین و تشریح می توان برای عدل نیز الگویی مشابه طراحی کرد.

البته آیات و روایاتی نیز در تأیید این برداشت وجود دارد که حسب مورد به آن ها اشاره می شود:

### الف. خداوند منشأ عدل

همان گونه که قبلاً هم ذکر شد، همانند آیاتی که خداوند را به عنوان حق مطلق و منشأ حق معرفی کرده است، خداوند را عدل مطلق و منشأ عدل نیز می توان دانست:

- ... قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) لِمَ يَكُونُ الرَّجُلُ عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنًا قَدْ ثَبَتَ لَهُ الْإِيمَانُ عِنْدَهُ ثُمَّ يَنْقُلُهُ اللَّهُ بَعْدُ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَى الْكُفْرِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الْعَدْلُ إِنَّمَا ...<sup>۱</sup>

به امام صادق علیه السلام گفتم چرا این گونه که (گاه) کسی نزد خداوند مؤمن است و ایمان او به اثبات رسیده است، سپس خداوند او را پس از ایمان به کفر منتقل می سازد، امام فرمود: همانا خداوند عز و جل عدل است، براستی ...

### ب. خلقت هستی بر مدار عدل

خداوند عدل جهان هستی را بر مدار عدل آفریده است، همان سان که جهان هستی بر مدار حق آفریده شده است:

- و تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقًا وَّعَدْلًا لَّامِبْدَلٍ لِّکَلِمَاتِهِ و هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ<sup>۱</sup>

و کلمات پروردگار تو بر اساس راستی و عدل پایان یافت ...

- و السماء رفعها و وضع المیزان<sup>۲</sup>

و آسمان را برافراشت و ترازو را نهاد.

بر اساس روایات ما، مراد از میزان در این جا همان عدل است.

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام: العدل اساس به قوام العالم<sup>۳</sup>

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که: عدل بنیانی است که قوام جهان بدان است.

- و بالعدل قامت السموات و الارض

آسمان ها و زمین به عدل ایستاده است.

### ج. بعثت پیامبران بر اساس عدل

---

۱- قرآن کریم، انعام، آیه ۱۱۵. کلمه رب در این آیه شریفه کلمات تکوین و تدوین - هر دو - را شامل می‌شود.

( طباطبائی، ج ۷، ص ۳۴۷ )

۲- قرآن کریم، الرحمن، آیه ۷

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۸۳

پیامبران به عنوان واسطه‌های عالم تکوین و عالم تشریح، به عدل برانگیخته شده‌اند و پیام عدل در میان انسان‌ها می‌پراکنند.

- ان الله یأمر بالعدل و الاحسان<sup>۱</sup>

براستی که خداوند به عدل و احسان امر می‌کند.

- هو ( القرآن ) الناطق بسنه العدل<sup>۲</sup>

آن ( قرآن ) به سنت عدل سخن می‌گوید.

همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد در تفسیر آیه ی شریفه سوره ی احزاب، در توضیح کلمه ی میزان به عدل محور بودن پیام پیامبران تأکید شده است.<sup>۳</sup>

د. وظیفه ی انسان‌ها برای عمل به عدل و ساختن خود و جامعه آرمانی بر مدار

عدل

- اعدلوا هو اقرب للتقوی<sup>۴</sup>

عدالت بورزید، که آن نزدیک‌تر به تقوی است.

- عن علی علیه السلام: ان العدل میزان الله سبحانه الذی وضعه فی الخلق و نصبه

لإقامه الحق فلا تخالفه فی میزانه و لا تعارضه فی سلطانه<sup>۵</sup>

---

۱- قرآن کریم، نحل، آیه ۶

۲- نهج البلاغه

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱

۴- قرآن کریم، مائده، آیه ۸

۵- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۵۰۸

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است: همانا عدل ترازوی خداوند سبحان است که آن در میان مردم نهاد و برای برپا داشتن حق نصب کرد، پس در ترازوی خدا با او مخالفت نکن ...

بنابراین عدالت بسان حق از ذات مقدس الهی برخاسته است و عدالت همانند حق در نظام تکوین جاری و ساری است و پیامبران خدا نیز که به حق و عدل برانگیخته شده‌اند، به عنوان واسطه‌های نظام تکوین و تشریح، انسان‌ها را به الهام‌پذیری از آموزه‌های وحیانی برای تحقق عدالت و برپا داشتن حق در عالم تشریح فرا می‌خوانند. و خداوند انسان کمال‌یافته را انسانی متعادل می‌داند که توانسته است همه ی قوای درونی خویش را در ارتباط با یکدیگر در نقطه‌ای به تعادل برساند.<sup>۱</sup> و جامعه ی کمال‌یافته را جامعه‌ای عدل محور معرفی می‌کند و انسان‌ها را به حکم و روابط عادلانه فرامی‌خواند.

به نظر می‌رسد، چنین نگاهی به عدالت و مبنای آن تنها ارائه دیدگاهی در کنار دیگر دیدگاه‌ها نیست، و می‌تواند چارچوبی مناسب برای تبیین مفهومی عدالت فراهم آورد. روشن شدن مبنای عدالت می‌تواند در مراحل تبیین مفهومی، تعیین ابعاد و وجوه، مراحل تحقق، شاخص‌های اندازه‌گیری و دیگر مباحث نظری مربوط به عدالت مدد رساند. مهمترین پیامدها و لوازم این دیدگاه در باره ی عدالت چنین است:

---

۱- در عموم کتاب‌های اخلاق این نکته مورد بحث قرار گرفته است.



### ۱. توجیه پیوند بین حقایق ( هست‌ها ) و اعتباریات (بایدها)

یکی از مهمترین مباحث و گره‌های نظری به ویژه ی آن گاه که سخن از کاربردی کردن و به روز کردن عمل به آموزه‌های دینی است، نوع رابطه بین اعتباریات و حقایق است. در این دیدگاه عدالت در نظام تشریح که در زمره ی اعتباریات و بایدها و نبایدهاست، از طریق پیامبران به حقایق پیوند می‌خورد و به صورت روشن این اعتباریات بر آن حقایق مبتنی می‌شود.

### ۲. عام و فراگیر دیدن عدالت ( ساحت های مختلف )

در این دیدگاه، به دلیل وسعت دامنه ی دعوت پیامبر ان، عدالت نیز ساحت های مختلف زندگی بشری را در برمی‌گیرد و لذا عدالت محدود به عدالت اجتماعی و یا عدالت اقتصادی نیست. عدالت شامل فرد و جامعه و همه ی ابعاد وجودی فرد و جامعه می‌شود. لذا در صحنه ی فردی، عدالت معیار کمال انسانی است و در صحنه ی اجتماعی نیز، عدالت وجوه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی و مانند آن را در بر می‌گیرد. قلمرو فردی و اجتماعی و شروع فرآیند تحقق عدالت از فرد به جامعه است.

### ۳. ارائه ی چارچوبی روشن برای گفتگو

این دیدگاه به دلیل روشن بودن مبنا و مستند آن، چارچوبی مناسب و روشن برای گفتگو در باره ی عدالت به دست می‌دهد.

#### ۴. برجسته ساختن جایگاه متون دینی برای استخراج مصادیق و شاخص ها و

##### مانند آن

به دلیل پشتوانه ی دینی این دیدگاه، متون و منابع دینی و در درجه ی اول شامل قرآن و سنت، جایگاهی مهم می یابند و برای تبیین و اجرایی کردن این دیدگاه می توان و بلکه باید منابع دینی را بازخوانی و بازکاوی کرد. طبیعی است که این سخن به معنای غیرضروری شمردن منابع غیردینی و منابع مربوط به علوم جدید نیست. چگونگی تعامل بین این دو دسته از منابع در جایی دیگر باید مورد بررسی قرار بگیرد.

#### ۵. بهره مندی از فرایند استنباط احکام شرعی

به دلیل جوهره ی دین باورانه ی این دیدگاه، و نیازمندی اجتناب ناپذیر به منابع دینی برای تبیین و اجرایی کردن آن، می توان از فرایند استنباط احکام شرعی که فرایندی شناخته شده، محکم و استوار و قابل اعتماد است به خوبی بهره گرفت.

### منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الویری، درآمدی بر عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی، کمیسیون تلفیق و هماهنگی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲ (تکثیر محدود)
- ۳- توسلی، مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۵ش.
- ۴- الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، قم: دار احیاء تراث اهل البیت علیهم السلام.
- ۵- طباطبائی، السید محمد الحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، بیروت: مؤسسه الاعلمی، بی تا. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، القاهره: مطبعه دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ق.
- ۶- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۵۰۸
- ۷- الكلینی الرازی، الکافی، ۸ ج، صححه و قابله و علق علیه: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۲ش.
- ۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار عن الائمه الاطهار، ۱۱۰ ج، بیروت:
- ۹- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون.
- ۱۰- نهج البلاغه، ترجمه: آقای دکتر سیدجعفر شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی.